

## اصول بنیادین حاکم بر دادرسی ورزش فوتبال، با تأکید بر اصول دادرسی منصفانه

محمد علی عشقی<sup>۱</sup>، امیر حسین تاربان<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

نام نویسنده مسئول:

محمد علی عشقی

### چکیده

در این مقاله تلاش می‌گردد که آیین و شیوه مربوط به رعایت اصول بنیادین دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مراجع دادرسی فوتبال مورد بررسی قرار گیرد. دادرسی در هر مرجعی از یک آیین ویژه تبعیت می‌نماید در عین حال برای شناسائی دقیق دادرسی در یک مرجع قضاوتی، صرفاً نمی‌توان به معرفی قواعد خاص دادرسی اکتفا نمود، بلکه دادرسی لزوماً باید از اصولی پیروی نماید که تضمین‌کننده دادرسی منصفانه و عادلانه باشد. خصوصاً اینکه مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال در بسیاری از مواقع مانند دادگاه‌های دادگستری، عمل نمود و به صدور حکم می‌پردازد. بنابراین لازم است علاوه بر شناسایی آیین و قواعد خاص دادرسی در این مراجع، میزان رعایت اصول بنیادین و راهبردی حاکم بر دادرسی، با تأکید بر دادرسی منصفانه مورد بررسی قرار گیرد تا بدین ترتیب نحوه و چگونگی جایگاه اعمال این اصول در مراجع دادرسی فوتبال مشخص و معین گردد. لذا در این گفتار در دو بخش به مطالعه میزان رعایت اصول بنیادین حاکم بر دادرسی در مراجع دادرسی فوتبال و قواعد خاص آیین دادرسی خواهیم پرداخت.

**واژگان کلیدی:** فوتبال، دادرسی منصفانه، اصول بنیادین دادرسی منصفانه.

**مقدمه**

مفهوم «دادرسی منصفانه (عادلانه)» باید اشاره نمود که دادرسی منصفانه در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» یا به معنای معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط بودن آن رفتار است، لیکن در ادبیات قضایی و در لسان حقوقی به معنای دارا بودن وصف بی طرفی و درستی، عدم تعقیب و جانبداری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه و برابری میان طرفین دعوا به کار برده شده است. {فضایی، ۱۳۸۹، ص ۵۰} حق دادرسی عادلانه را میتوان در اسناد منطقه ای حقوق بشر نیز مشاهده نمود، مانند: کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ماده ۵۰\_ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بین المللی مواد ۷ و ۸ و برخی اسناد دیگر که اصول دادرسی منصفانه را مورد تأیید قرار داده اند. {رستمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲}

اما در خصوص لزوم رعایت اصول دادرسی منصفانه در آیین داری ها باید اشاره نمود که امروزه آیین دادرسی بیش از پیش حائز اهمیت گردیده است. بهترین و عادلانه ترین راه حل در یک دعوی از مسیر یک دادرسی مناسب و منصفانه با لحاظ تضمینات لازم برای طرفین دعوی، در دادگاهی مستقل و بی طرف حاصل می گردد. اعتبار دستگاه قضایی و دادگستری و اعتماد طرفین دعوی و عموم نسبت به آن نیز بستگی مستقیم به وجود یک دادرسی منصفانه برای حل و فصل دعاوی خواهد داشت.

آیین دادرسی که به طور سنتی دارای تقسیم بندی های مدنی و کیفری بوده است، در دهه های اخیر با برخی تحولات بنیادین، حرکت به سمت ایجاد اصول و قواعد واحد و کلی آیین دادرسی را در کلیه دعاوی اعم از مدنی، کیفری و اداری پیش برده است. اگر چه مقررات دادرسی اداری، در ابتدا مقتبس از آیین دادرسی مدنی بوده است، اما با عنایت به ویژگی خاص دعاوی اداری، آیین رسیدگی در محاکم اداری و مقامات اداری دارای صلاحیتهای شبه قضایی، در کشورهای دارای سیستم حقوق نوشته، به تدریج به سمت یک استقلال نسبی حرکت نموده است. اما همین استقلال نسبی که در اکثر موارد منجر به عدم توجه کافی به حقوق شهروند در مقابل اداره گردیده، امروزه بر اساس حق برخورداری از دادرسی منصفانه محل انتقاد فراوان شده است. البته در کشورهای دارای سیستم حقوقی انگلوساکسون نوعاً به دلیل عدم شناسایی حقوق اداری به عنوان یک رشته مستقل و همینطور عدم وجود تشکیلات قضایی اداری مستقل، بحث آیین دادرسی اداری در طبقه بندی های حقوقی کمتر محل توجه بوده است. در واقع حق برخورداری از دادرسی منصفانه آیین دادرسی را واجد دو بعد جدید نموده است: اول آنکه با شناسایی و احصا مجموعه ای از قواعد مشخص در ذیل این عنوان، وصف انتزاعی منصفانه بودن دادرسی که مستتر در برخی قواعد شکلی و آیینی پراکنده بوده است، دارای چارچوب، ماهیت و محتوای مستقل و عینی گردیده است؛ دوم اینکه رعایت این حق در کلیه دعاوی اعم از کیفری، مدنی، اداری مورد توجه جدی قرار گرفته است. حتی در مواردی که برخی تصمیمات مقامات عمومی و اداری علیه شهروندان، که اطلاق دادگاه با مرجع قضایی به آنها با توجه به تقسیمات و طبقه بندی های کلاسیک در خصوص عمل قضایی و عمل غیر قضایی و همچنین مقامات قضایی و مقامات عمومی و اداری غیر قضایی دشوار به نظر می رسد، رعایت دادرسی منصفانه مورد تأکید قرار گرفته است.

حال دادرسی منصفانه دارای اصولی هست که هر فردی در فرآیند دادرسی اعم از کیفری و مدنی و اداری باید از آن برخوردار باشد. برخی از مصادیق دادرسی عادلانه از جمله حق دادخواهی، دسترسی به دادگاه های بی طرف و مستقل عمومیت دارند و در انواع دعاوی مدنی و کیفری قابل اعمال می باشند و برخی دیگر از جمله اصل برائت، تفهیم اتهام و ... ناظر بر دعاوی کیفری می باشند. اما در خصوص اینکه این اصول دادرسی منصفانه که همانطور که اشاره شد در نظام های حقوقی مختلف مورد شناسایی و تبعیت واقع شده و تضمیناتی را هم بدنبال داشته؛ در نظام دادرسی فوتبال ایران تا چه حدی نمود پیدا کرده و لازم الاجرا گردیده؛ سوالی هست که موضوع مورد بحث ما در این مقاله میباشد. با توجه به همین منظور دغدغه اصلی ما در این مقاله بررسی اصول بنیادین حاکم بر دادرسی ورزش فوتبال، با تأکید بر دادرسی منصفانه میباشد و در زمینه دادرسی فوتبال با توجه به الزامات دادرسی منصفانه و اصول و ضوابطی که برای آن وجود دارد که مهم ترین آن تحقق عدالت در دادرسی های ورزشی و اختلافات در این حوزه میباشد، قدمی تازه برداشته ایم و به بررسی این بُعد مهم و جدید که از سوی نهادهای دادرسی مافوق بین المللی هم مورد توجه و لازم التباع میباشد؛ پرداخته ایم.

**بخش اول - اصول قبل از شروع دادرسی**

مراجع دادرسی فدراسیون فوتبال از اختیارات فوق العاده ای در صدور رأی برخوردارند و این اختیارات می توانند حقوق و آزادی های طرفین را محدود نمایند این مراجع در بسیاری از اختلافات میان اشخاص حاضر در فوتبال، مانند دادگاه های دادگستری عمل نموده و حکم صادر می کنند.

همچنین این مراجع در مسائل انضباطی می توانند اشخاص را از بسیاری از حقوق خود محروم کرده و یا به پرداخت جرائم نقدی محکوم سازند. بنابراین لازم است که از اصول بنیادین حاکم بر دادرسی منصفانه تبعیت نمایند. در غیر این صورت، آزادی و حقوق افراد در معرض تضییع و تحدید قرار خواهد گرفت.

**گفتار اول - حق دسترسی سریع به مراجع صالح**

یکی از اصول بنیادین دادرسی منصفانه، حق دسترسی سریع به دادگاه صالح است. در واقع، مدعی حقی تضییع با انکار شده باید بتواند درستی یا نادرستی ادعای خود را در مرجعی که دسترسی آسان به آن داشته باشد به قضاوت بگذارد. به همین خاطر محل تشکیل مراجع قضاوتی و متعدد بودن مراجع صالح به نحوی که دسترسی مطلوب و سریع را به آن میسر نماید، از اصول مهم یک دادرسی منصفانه است. در مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال، آن هنگام که کمیته انضباطی شهرستان با کمیته انضباطی استان مرجع بدوی رسیدگی هستند کمیته انضباطی شهرستان در لیگ های منطقه ای که تحت نظر هیأت فوتبال شهرستان برگزار می شود، مرجع بدوی رسیدگی است و کمیته انضباطی استان نیز در لیگ های که تحت نظارت هیأت فوتبال استان برگزار می گردد، مرجع بدوی رسیدگی می باشد، اصل مذکور رعایت می شود و به عبارت بهتر مرجع صالح، برای مدعی در دسترس است.

لیکن در مواقعی که کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال مرجع رسیدگی بدوی است نظیر لیگ های سراسری مثل مسابقات لیگ دسته یک و لیگ دسته دو کشوری، این اصل چندان رعایت نمی گردد و دسترسی به مرجع صالح محدود و دشوار است. همچنین یکی از شروط بدیهی دادرسی عادلانه این است که حتی الامکان سریع باشد زیرا تأخیر در عدالت نوعی انکار عدالت محسوب می گردد. در واقع اجرای عدالت و اتخاذ تصمیم قانونی در مدت معقول و متناسب یک حق بنیادین برای اصحاب دعوی محسوب می گردد این اصل حتی در اسناد بین المللی حقوق بشر نیز مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است. به گونه ای که بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بر لزوم وجود این اصل در محاکمات و دادرسیها تأکید نموده اند. با این حال با توجه به منفرد بودن کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال و تراکم کار این مرجع، پرونده های ارجاع شده به آن نوعا با اطلاع دادرسی مواجه شده و صدور حکم و اجرای عدالت به تعویق می افتد. بنابراین می توان گفت که اصل در دسترس بودن مرجع صالح، حداقل در مورد کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال رعایت نمی گردد. بند ۸ ماده ۵ مقررات آیین دادرسی در فیفا نیز بر حق برخورداری از دادرسی و ارائه دلایل و مدارک افراد تأکید نموده است. {مصطفی فضائی، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی، تهران، شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۳۳۶}.

**گفتار دوم - استقلال و بی طرفی**

استقلال و بی طرفی نهاد قضاوتی بدون شک مهمترین اصل یک دادرسی منصفانه است. بی طرفی نهاد قضاوتی به معنی جانبداری نکردن از یک شخص یا عقیده است و استقلال آن به معنی عدم نفوذ عوامل قدرت در قضاوت می باشد. ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر در همین خصوص چنین مقرر نموده است:

«هر کس با مساوات کامل حق دارد دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی طرف، منصفانه و علنا رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او توجه پیدا کرده باشد اتخاذ تصمیم بنماید.»

برای این که یک مرجع قضاوتی مستقل باشد، شروط و عوامل بسیاری از شیوه انتخاب اعضاء گرفته تا استقلال در مسایل مالی باید رعایت شود. فدراسیون فوتبال ایران به موجب اساسنامه فیفا باید مستقل باشد و فرآیندی را که چنین استقلالی را تضمین نماید به وجود آورد. لیکن این فدراسیون علیرغم داشتن شخصیت حقوقی مستقل از دولت، به لحاظ مالی به شدت وابسته به دولت بوده و از این حیث نمی تواند استقلال خود را حفظ کند. در واقع اگر چه در مقام وضع قواعد حقوقی این فدراسیون یک نهاد مستقل است لیکن در عمل وابستگی مالی و اداری آن به دولت بسیار زیاد است و طبیعی است که مراجع قضاوتی این فدراسیون نیز به تبع واحد متبوع خود تحت تأثیر دولت هستند. بنابراین، در آن دسته از دعاوی که باشگاه های دولتی، خصوصا باشگاه های وابسته به وزارت ورزش و جوانان (نظیر استقلال و پرسپولیس) طرف دعوی در این مراجع هستند، نمی توان گفت که بی طرفی و استقلال این نهاد کامل است. از طرف دیگر مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال، زیر مجموعه و وابسته به این فدراسیون هستند و این خود بدترین حالت برای تضمین بی طرفی و استقلال است. {۱- به نقل از: رضا قنادی مراغه، مجموعه ای از مقررات بین المللی، تبریز، کتاب سرای مولی، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۹۸}

وقتی اعضای این مراجع منصوب فدراسیون فوتبال هستند، به سختی می توان از استقلال و بی طرفی آنها، خصوصا در دعاوی که فدراسیون نیز جزء اصحاب دعوی محسوب می گردد، صحبت نمود. البته اساسنامه فدراسیون فوتبال در این زمینه قواعدی را تنظیم کرده است. لیکن صرف وجود این قواعد رافع اشکال فوق نیست. بند ۳ ماده ۶۰ اساسنامه مذکور چنین مقرر داشته است: «بخش های قضایی فدراسیون دارای استقلال بوده و تصمیمات آنها حسب مقررات موجود لازم الاجرا است از دیگر سو مطابق اساسنامه و آیین نامه انضباطی، مسئول حقوقی فدراسیون با حفظ سمت، دبیر کمیته های انضباطی و استیناف فدراسیون نیز محسوب می گردد.» اگر چه این شخص بدون حق رأی در جلسات این کمیته ها شرکت می کند، لیکن حضور او به عنوان دبیر این دو کمیته به شدت به اصل استقلال و بی طرفی آنها خدشه وارد می کند و می تواند زمینه ساز خروج دادرسی از مدار عدالت و انصاف گردد.

معیار دیگر برای سنجش استقلال و بی طرفی یک مرجع قضاوتی، چگونگی انتخاب اعضای این مرجع است. در واقع اعضای مراجع قضاوتی، خصوصاً مراجع قضاوتی فدراسیون، هر چند شأن و مقام قاضی محاکم دادگستری را ندارند، لیکن به هر حال مانند یک حاکم دادگاه، حق قضاوت و صدور حکم دارند و عملاً نیز چنین می کنند.

بنابراین لازم است آنها از دانش حقوقی کافی و مناسب برای تصدی این جایگاه برخوردار باشند. تجربه نشان داده است، هرگاه یک داور یا یک قاضی از علم و تجربه کافی جهت قضاوت برخوردار نباشد، آسان تر از سایر قضات و داوران تحت تأثیر و نفوذ دیگران قرار گرفته و در مقابل فشارها تسلیم می گردد. در مرجع قضاوتی فدراسیون فوتبال، تنها داشتن مدرک تحصیلی برای رئیس و نایب رئیس الزامی دانسته شده است و برای سایر اعضا چنین الزامی وجود ندارد. مسأله دیگری که تضمین کننده استقلال و بی طرفی مرجع قضاوتی است تأمین امنیت شغلی و روانی برای قاضی است. در واقع قاضی که منصوب یک فرد باشد و هر لحظه امکان عزل او توسط آن فرد وجود داشته باشد، نمی تواند با امنیت خاطر کافی به صدور حکم بپردازد و ممکن است تحت تأثیر و نفوذ قرار گیرد. (بندهای یکی از مواد ۶۱ و ۶۲ اساسنامه فدراسیون فوتبال)

اصل یکصد و شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همین خصوص چنین مقرر نموده است: «قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه با ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد...»

با این حال اعضا مرجع قضاوتی فدراسیون فوتبال هر چند در مقام قضاوت هستند لیکن از چنین مصونیتی برخوردار نبوده و قابل عزل و جابجایی می باشند.

### گفتار سوم- علنی بودن دادرسی

علنی بودن دادرسی و محاکمه که از جمله مهمترین اصول دادرسی منصفانه محسوب می گردد و به عموم مردم اجازه می دهد که نحوه اجرای عدالت، توسط دستگاه های قضاوتی را تحت نظارت خود در آورده و بدین ترتیب از سلامت کار دستگاه قضاوت کننده، اطمینان حاصل نمایند. این اقدام همچنین سبب افزایش اعتماد مردم نسبت به دستگاه قضاوت کننده می شود.

علنی بودن دادرسی و محاکمه به معنی گشودن دادگاه و فرایندهای قضایی به سوی عموم مردم است. به نحوی که هیچ مانعی جهت حضور مردم در جلسه دادرسی وجود نداشته باشد. بنابراین علنی بودن دادرسی هم در دادرسیهای مدنی و هم در دادرسیهای کیفری باید رعایت شود، لیکن بدیهی است که در محاکمات کیفری و انتظامی از اهمیت و ضرورت بسیار بیشتری برخوردار است. علنی بودن رسیدگی همچنین در بسیاری از اسناد بین المللی حقوق بشر مورد تأیید قرار گرفته است.

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می دارد: هرکس حق دارد با استفاده کامل از تساوی حقوقی با دیگران، دعوی او در یک دادگاه مستقل و بی طرف، عادلانه و علنی رسیدگی شود و آن دادگاه درباره ی حقوق و تعهدات او و یا هرگونه اتهام کیفری که به او متوجه باشد، حکم دهد و همچنین بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، در این باره اشعار میدارد: همه در مقابل دادگاهها و دیوان های دادگستری مساوی هستند. هرکس حق دارد که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی طرف تشکیل شده طبق قانون، رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقایق اتهامات جرایمی علیه او و یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید. تصمیم به سری بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی، خواه به جهت اخلاق حسنه یا نظم و امنیت عمومی در یک جامعه ...

علنی بودن محاکمه معیارهای متفاوتی دارد که بخش مهمی از آن مربوط به حضور طرفین اختلاف و اصحاب دعوی در دادگاه است. به عبارت دیگر طرفین دعوی باید از زمان دادگاه و رسیدگی مطلع شده و امکان و فرصت حضور در آن را داشته باشند. همچنین لازم است که آنها بتوانند دلایل و مدارک خود را ارائه نموده و ادله خود را به قضاوت بگذارند.

مؤلفه و معیار دیگر تشخیص علنی بودن دادرسی، امکان حضور مردم و رسانه ها در مراجع دادرسی است زیرا همان گونه که ذکر شد، حضور مردم و رسانه در جلسه دادرسی، میزان انحراف دادگاه و مرجع قضاوتی از مدار عدالت و انصاف را به حداقل ممکن رسانده، اعتماد عمومی نسبت به مرجع قضاوتی را افزایش می دهد. مقررات آیین نامه انضباطی فدراسیون فوتبال در خصوص علنی بودن رسیدگی به شدت ناقص و مغایر با اصول اساسی دادرسی منصفانه میباشد. همچنین این مقررات بر خلاف قانون اساسی کشور است.<sup>۱</sup>

زیرا بر اساس بند ۳ ماده ۱۰ آیین نامه انضباطی رسیدگی بدون طرفین از اختیارات کمیته انضباطی می باشد، ولی چنانچه با دعوت کمیته، طرفین با و کلاً آنان جهت دفاع و ادای توضیحات در جلسه رسیدگی حاضر شوند، توضیحات آنها استماع و لوایح تقدیمیشان ثبت و

<sup>۱</sup> به موجب اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد بلا مانع است

در رسیدگی، مورد توجه قرار خواهد گرفت. بنابراین مطابق این ماده، کمیته انضباطی می تواند بدون حضور طرفین جلسه دادرسی را تشکیل داده و رأی صادر نماید. این مسأله صرف نظر از این که با اصول بنیادین دادرسی و محاکمه منصفانه در تعارض است، با مقررات فیفا نیز در مغایرت بوده و برخی از مقررات مندرج در متن آیین نامه را نیز بی فایده می نماید.

### گفتار چهارم) حق داشتن وکیل

حق داشتن وکیل نیز یکی از اصول مهم و بنیادین دادرسی منصفانه است. اصل سی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر نموده است که در همه دادگاهها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نماید و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

همچنین در قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری نیز، داشتن وکیل از جمله حقوق اصحاب دعوی ذکر شده است. آیین نامه انضباطی فدراسیون، در بند ۲ ماده ۱۰ خود این حق را برای طرفین اختلاف، شناسایی نموده است. به موجب این بند طرفین می توانند تا دو نفر به عنوان مشاور، نماینده با وکیل یا کارگزار رسمی را برای شکایت یا طرح و پیگیری دعوی و یا دفاع از خود به کمیته انضباطی و معرفی نمایند.

نکته مهمی که در این بند قابل توجه می باشد این است که بر خلاف محاکم دادگستری، لازم نیست که وکیل طرفین از وکلای رسمی دادگستری باشد بلکه طرفین آزادند هر شخصی را که تمایل دارند به عنوان وکیل خود انتخاب و معرفی کنند. مسأله قابل ذکر این است که در این بند به طرفین حق داده شده است که وکیل یا نماینده خود را به کمیته انضباطی معرفی کنند و در خصوص کمیته استیناف این بند سکوت نموده است. این گونه سکوت ها اگرچه قابل مسامحه و چشم پوشی نیست، ولی به نظر نمی رسد که عدم ذکر حق انتخاب وکیل در کمیته استیناف مانع از داشتن وکیل در این مرجع قضاوتی گردد.

## بخش دوم - شروع و جریان دادرسی

### گفتار اول - شروع دادرسی

به موجب ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر اینکه شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده ی قانونی آنان، رسیدگی به دعوی را برابر قانون، درخواست نموده باشند. بنابراین در دادرسی مدنی، دادگاه تنها به موجب درخواست قانونی اشخاص ذینفع و یا نمایندگان آنها، توانایی و صلاحیت رسیدگی به دعوی را دارند. همچنین در مسائل انضباطی و یا کیفری، هرگاه موضوع تخلف یا جرم، دارای جنبه ی عمومی باشد، رسیدگی مرجع قضاوتی صالح، منوط به اعلام شکایت شاکی نمی باشد. آیین نامه انضباطی نیز در ماده ۷ خود، جهات قانونی برای شروع به رسیدگی را مشخص نموده است. به موجب این ماده موارد ذیل از جمله جهات شروع به رسیدگی محسوب می شوند.

#### بند اول) اعلام کتبی یا گزارش هیأت رئیسه با مقامات رسمی فدراسیون و هیأتها.

این بند مربوط به تخلفات انضباطی است و اختلافات مدنی را شامل نمی شود. مگر اینکه مقامات مذکور در دعوایی که نفع شخصی در آن دارند، از کمیته ی انضباطی درخواست رسیدگی کرده باشند.

#### بند دوم) اعلام کتبی یا گزارش مقامات رسمی مسابقه

این بند نیز مربوط به مسائل انضباطی است. در واقع در هنگام برگزاری هر مسابقه ی فوتبال نماینده ای از طرف فدراسیون و کمیته داوران حضور دارد که مقامات رسمی مسابقه هستند و گزارش این مقامات می تواند مبنای شروع به رسیدگی در مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال باشد.

#### بند سوم) شکایت مقامات رسمی

مقامات رسمی فدراسیون فوتبال عام تر از مقامات رسمی مسابقه است و شامل مسئولین فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ و هیأت های فوتبال نیز می گردد. که در صورت ارتکاب تخلفات انضباطی از سوی دست اندرکاران ورزش فوتبال ذینفع در طرح شکایت می باشند.

#### بند چهارم) شکایت مربیان، بازیکنان، کادر پزشکی، سرپرستان و دیگر عوامل باشگاه و کارگزاران رسمی فیفا در

مواردی خودشان در دعوی ذینفع باشند.

بدیهی است که بند فوق در مورد دعوی مدنی اشخاص مذکور است و در این دعوی، کمیته ی انضباطی و سایر مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال، بدون تقاضای قانونی ذینفع، حق رسیدگی به مسأله را نخواهند داشت.

همچنین مقصود از شکایت در بند فوق همان دادخواست است.

### بند پنجم) در تخلفات مشهود، کمیته های انضباطی بدون نیاز به گزارش و شکایت می توانند وارد رسیدگی شوند.

بند مذکور از دو جهت قابل بررسی است. نخست اینکه این بند و سایر موارد آیین نامه، ملاک مشهود بودن یک تخلف را بیان نموده اند. لذا به نظر می رسد که برای تعیین مصادیق تخلفات مشهود می توان از ملاک ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ استفاده نمود.<sup>۱</sup>

نکته ی دیگر این است که به موجب مفهوم مخالف این بند، در تخلفات غیر مشهود، وجود گزارش و یا شکایت، ضروری است و در غیر این صورت رسیدگی شروع نخواهد شد.

به موجب ماده ۸ مقررات آیین دادرسی در فیفا، کلیه ی اقدامات بایستی به صورت نوشتاری و کتبی باشد و شکایت یا دادخواست و یا گزارش شفاهی نمی تواند ملاک عمل قرار گیرد. در مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال نیز وضعیت مشابهی حاکم است و طرح دعوی با شکایت و یا عدم گزارش باید مکتوب باشد. همچنین شکایت و یا گزارش باید شرایط دیگری نیز داشته باشد. از جمله اینکه لازم است که شکایت یا گزارش، مستند و مستدل باشد و در صورت عدم انطباق دعوی یا شکوائیه با تشریفات رسیدگی و یا مقررات انضباطی، قرارداد یا ابطال دعوی صادر می شود. (بند یک ماده ۸ آیین نامه انضباطی) در مورد شرایط لازم برای گزارشات و شکایات انضباطی معتبر نیز موارد ذیل در خور توجه است:

اول اینکه بر اساس بند ۳ ماده ۸ آیین نامه انضباطی اشکایاتی قابل استماع است که ظرف مهلت چهل و هشت ساعت پس از انجام مسابقه، تسلیم مقامات مربوطه شود، البته در صورت عدم حضور نماینده فدراسیون، زمان اعتراض تا هفتاد و دو ساعت افزایش می یابد. بدیهی است رسیدگی در کمیته انضباطی در صورت تکمیل مدارک و رعایت مقررات مربوطه انجام خواهد شد» این بند با وجود اطلاق خود صرفاً شامل شکایات انضباطی است و دعاوی حقوقی را نمی توان مشمول آن دانست، چرا که مرور زمانی برای دعاوی حقوقی در حقوق کنونی ایران وجود ندارد.

همچنین علی رغم سکوت بند فوق، باید تصریح نمود که هر گاه علت شکایت، در زمان انجام مسابقه معلوم نباشد و مدتی بعد روشن گردد، مهلت های مذکور را باید از زمان کشف علت شکایت محسوب نمود. هرگونه برداشتی غیر از این مورد می تواند به حقوق اشخاص، لطمه وارد نماید. همچنین در صورت وجود اختلاف بین گزارش های رسیده، گزارش داور برای وقایع داخل زمین و گزارش ناظر مسابقه برای وقایع خارج از زمین، مبنای رسیدگی خواهد بود و اصل بر صحت این گزارش ها است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. (بند ۲ ماده ۸) آیین نامه انضباطی در آیین نامه انضباطی شرط دیگری برای دادخواست هایی که در دعوی مدنی ارائه می شود، ملاحظه نمی گردد، لیکن مطابق ماده ۹ مقررات مربوط به آیین دادرسی در فیفا، لازم است که موارد ذیل در دادخواست قید شود:

- ۱- نام و آدرس خواهان. ۲- نام و آدرس نماینده قانونی در صورت وجود. ۳- خواسته یا موضوع شکایت.
- ۴- اسناد و مدارک، ۵- نام و آدرس اشخاص دیگری که حضور آنها در دادرسی قابل اهمیت است. ۶- مدارک مربوط به پرداخت هزینه ها. ۷- تاریخ و امضاء.

براساس بند ۲ همین ماده، در صورتی که دادخواست در یکی از موارد فوق ناقص باشد، اخطار رفع نقص برای متقاضی صادر می گردد. همچنین دادخواست ها باید متکی به دلیل بوده و محتوای غیر مجاز نداشته باشند. در غیر این صورت، با قرار رد فوری مرجع مربوطه مواجه می گردند. به موجب صدر ماده فوق الذکر، دادخواستها به هریک از چهار زبان رسمی فیفا، انگلیس، فرانسه، اسپانیولی و ایتالیایی قابل طرح است.

زبان مورد استفاده در دادرسیهای دادگاه داور برای ورزش فرانسه و انگلیسی است که طرفین می توانند با توافق یکدیگر یکی از دو زبان را برگزینند. در صورت عدم توافق دو طرف رئیس هیأت منصفه و در صورت عدم انتخاب داوران (هیأت منصفه)، رئیس قسمت مربوطه در دادگاه، یکی از دو زبان را به عنوان زبان مشروع داور، با در نظر گرفتن تمامی وضعیت های مؤثر، انتخاب خواهد کرد. البته طرفین دعوی می توانند پس از انتخاب زبان توسط رئیس هیأت منصفه نسبت به تغییر و تبدیل آن، توافق نمایند. همچنین در صورت توافق طرفین و موافقت هیأت منصفه و بخش اداری دادگاه داور، ورزش، ممکن است زبان دیگری به غیر از انگلیسی و فرانسه، مبنای عمل در دادرسی قرار گیرد، لیکن در این صورت پرداخت کلیه ی هزینه های مربوطه از جمله ترجمه و اوراق و با اخذ توضیح از مترجم به عهده آنها خواهد بود.

آیین نامه انضباطی فدراسیون، در خصوص زبان رسمی دادخواست سکوت نموده است. حال سوال این است که آیا مراجع قضاوتی مکلف به پذیرش دادخواست هایی که به غیر از زبان فارسی و به یکی از زبان های رسمی فیفا نگارش یافته، می باشند؟ اهمیت عملی این

<sup>۱</sup> ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸: ماده ۲۱ - جرم در موارد زیر مشهود محسوب می شود: ۱- جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلافاصله مأمورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

سؤال این است که با حضور عده‌های بسیاری از بازیکنان و مربیان خارجی در لیگ های فوتبال ایران، ممکن است آنها ادعای تضییع با انکار حقی علیه شخصی دیگر داشته باشند و دادخواست خود را به یکی از زبان های رسمی فیفا و به زبانی غیر از فارسی تقدیم نمایند. در پاسخ به این سؤال ممکن است گفته شود که این مراجع مکلف به پذیرش این دادخواست ها بود. پس از دریافت آن، اشتغال به رسیدگی پیدا می نمایند. زیرا مطابق اساسنامه فدراسیون و آیین نامه انضباطی و همچنین اساسنامه فیفا، مقررات جاری فدراسیون، از جمله قوانین مربوط به آیین دادرسی نمی تواند مغایر با قوانین فدراسیون بین المللی فوتبال باشد. و چون این مرجع چهار زبان را به عنوان زبان های مورد قبول خود به رسمیت شناخته است، سکوت آیین نامه انضباطی را باید حمل بر قبول مقررات فیفا دانست و در نتیجه تقدیم دادخواست به غیر از زبان فارسی و به یکی از زبان های رسمی فیفا را پذیرفت، با این حال به نظر می رسد که تقدیم دادخواست به زبان فارسی یکی از قواعد مربوط به نظم عمومی در دادرسی بوده و با لحاظ آمره بودن قوانین و مقررات ایران در این خصوص، سرپیچی از آن غیر قابل توجیه است. این مسأله هم در قانون اساسی<sup>۱</sup> و هم در قانون آیین دادرسی مدنی مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین اگر تقاضا و درخواستی فاقد این شرط باشد قابل قبول و ترتب آثار قانونی نمی باشد.

از طرفی در آیین نامه انضباطی در خصوص لزوم درج مشخصات خواهان یا شاکی نیز الزامی ملاحظه نمی گردد.

این درحالی است که درج مشخصات خواهان یا شاکی در برگ دادخواست با تقاضا نامه از بدیهی ترین اصول دادرسی است، در غیر این صورت به جریان افتادن دادرسی و صدور حکم خصوصا به نفع خواهان ممتنع و متعسر است. بنابراین به نظر می رسد که چنین تقاضا و دادخواستی نیز قابل ترتیب اثر نباشد و می توان در این خصوص از ملاک ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی استفاده نمود. مطابق این ماده اهر گاه در دادخواست، خواهان با محل اقامت او معلوم نباشد، ظرف دو روز از تاریخ رسید دادخواست، به موجب قراری که مدیر دفتر دادگاه و در غیبت مشارالیه جانشین او صادر می کند، دادخواست رد می شود.

در آیین نامه انضباطی، همچنین راجع به موارد توقیف دادخواست و صدور اخطار رفع نقص نیز، مقرره‌های ملاحظه نمی گردد. در این خصوص نیز می توان از عمومات قانون آیین دادرسی مدنی، استفاده نمود و خلاء موجود را برطرف ساخت.

## گفتار دوم - جریان دادرسی:

### بند اول - هزینه دادرسی

به قضاوت گذاردن صحت و سقم ادعای مالی با شکایت انضباطی و غیره در مراجع قضای فدراسیون فوتبال مستلزم پرداخت هزینه دادرسی است. هزینه دادرسی باید به حساب فدراسیون فوتبال واریز شود و همزمان با ارائه ی تقاضا با شکایت مدرک مثبت پرداخت آن تقدیم مرجع مربوطه گردد. میزان هزینه دادرسی در کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال، در موارد تخلفات انضباطی و حرفه ای یک میلیون ریال و در دعای مالی، تا مبلغ پانصد میلیون ریال خواسته، دو میلیون ریال و نسبت به مازاد، معادل نیم درصد از خواسته می باشد. بدین ترتیب در دعای مالی که خواسته ی آن میزان یکصد میلیون تومان است، هزینه دادرسی چهارصد و پنجاه هزار تومان می باشد. هزینه تجدیدنظرخواهی، در موارد انضباطی و تخلفات حرفه ای دو میلیون ریال و در دعای مالی یک و نیم برابر هزینه دادرسی مرحله بدوی است. هزینه دادرسی در هر صورت غیر قابل استرداد و به محکوم علیه تحمیل می گردد. البته در مواردی که خوانده محکوم علیه واقع گردد، هزینه دادرسی با تقاضای خواهان به وی تحمیل می شود. (ماده ۹ آیین نامه انضباطی)

بدیهی است در صورتی که دادخواست با شکایتی، بدون پرداخت هزینه دادرسی تقدیم گردد، به جریان نیافتاده و فاقد اثر حقوقی خواهد بود.

### بند دوم - احضار و دعوت طرفین

گفته شد که علی رغم لزوم رعایت اصل ترافع و اعطای فرصت و امکان دفاع از دعوی به طرفین، در قوانین موضوعه ی کشور و اسناد بین المللی حقوق بشر، در آیین نامه انضباطی اصل بر عدم لزوم حضور طرفین دانسته است مگر در مواقعی که کمیته انضباطی، حضور طرفین را ضروری دانسته و آنها را به منظور رسیدگی و حضور در جلسه دعوت نماید. (بند ۳ ماده ۱۰ آیین نامه انضباطی). با این حال شیوه احضار و دعوت طرفین، متفاوت از مقررات قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری است. به موجب بند یک ماده ۱۰ آیین نامه انضباطی احضار و دعوت به کمیته انضباطی از طریق سایت رسمی فدراسیون، نامبر با پست سفارشی صورت می گیرد.

<sup>۱</sup> اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همین خصوص چنین مقرر داشته است: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید به این زبان و خط باشد. ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدار می، در کنار زبان فارسی آزاد است.

ملاحظه می گردد که در این بند صرفاً از کمیته انضباطی نام برده شده و به شیوه احضار کمیته ی استیناف و کمیته های انضباطی شهرستان و استان اشاره ای نشده است.

### بند سوم- رسیدگی در مراجع قضاوتی فدراسیون

پس از ثبت شکایت یا درخواست به شکل قانونی و دعوت طرفین در صورت لزوم، مرجع قضاوتی وارد رسیدگی می شود. کمیته انضباطی دادرسی از اختیارات ویژه ای نیز برخوردار است. یکی از این اختیارات صدور دستور موقت است. کمیته انضباطی می تواند تا موعد تشکیل جلسه و اتخاذ تصمیم نهایی، به منظور جلوگیری از هر گونه خسارت مادی و معنوی، نسبت به صدور دستور موقت (بر اساس مواد ۶ و ۷ این آیین نامه) اقدام نماید. در این صورت، محرومیت ناشی از صدور دستور موقت در زمان صدور حکم، محاسبه خواهد شد که این دستور به عهده ی رئیس کمیته انضباطی می باشد. دستور موقت به تناسب موضوع مورد بحث میتواند بلافاصله انشاء و صادر و اعلام گردد و مشمول ابلاغ ۷۲ ساعت قبل از اولین مسابقه نخواهد بود، در ضمن دستور موقت قطعی است.

در طول جریان دادرسی همچنین ممکن است برخی از طواری دادرسی نظیر جلب یا ورود ثالث رخ دهد. آیین نامه انضباطی و مقررات فیفا در این خصوص ساکن هستند. فلذا با توجه به ماده ۴۳ آیین نامه انضباطی، در این موارد مقررات آیین دادرسی مدنی قابل اعمال و اجراست. با این حال به موجب ماده ۴۱ آیین دادرسی دادگاه داور برای ورزش، شخص ثالثی که قصد ورود به دعوی را دارد باید قبل از جلسه دادرسی و ظرف ده روز از تاریخ شکل گیری داور، تقاضا و دلایل خود را به مرجع رسیدگی کننده ارائه نماید. همچنین در مواقعی که جلسه رسیدگی برگزار نمی گردد، تقاضا باید قبل از ختم روند تکمیل دلایل و شواهد تقدیم گردد. مرجع قضاوتی همچنین می تواند به منظور کشف حقیقت داوران، ناظران و سایر مقامات رسمی مسابقات را نیز جهت ادای توضیحات دعوت نماید. این دعوت با هماهنگی دبیر کل فدراسیون و با رئیس سازمان لیگ به عمل خواهد آمد. (بند ۴ ماده ۱۰)

### بخش سوم: نحوه صدور حکم و روش اعتراض از حکم

#### گفتار اول: صدور حکم

مرجع قضاوتی پس از رسیدگی به دلایل موجود، مبادرت به صدور حکم می نماید. در آرای کمیتهی انضباطی ذکر نام طرفین و نمایندگان حقوقی آنان، گردش کار و موضوع رسیدگی، مدارک، مستندات و دفاعیات طرفین و قطعی یا غیر قطعی بودن حکم و مهلت اعتراض و مرجع شکایت از آن باید قید گردد. (ماده ۱۲ آیین نامه انضباطی). حکم صادره می تواند دایر بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ یا الزام او به انجام عمل یا خودداری از آن باشد. همچنین حکم می تواند مبنی بر اعلام بی حقی خواهان در دعوی مطروحه باشد. در موارد انضباطی نیز حکم می تواند دایر بر برائت یا متخلف بودن فرد مورد نظر باشد. حکم کمیته انضباطی، توسط دبیر کل فدراسیون، به سازمان لیگ و با هیأتی که اشخاص طرف دعوی تحت نظارت آن مشغول فعالیت در عرصه فوتبال هستند، ارسال شده و از طریق آن مرجع به وسیله ی پست سفارشی و یا نامبر به طرفین ابلاغ می گردد. همچنین اعلام مفاد حکم قبل از قطعی شدن آن از طریق سایت فدراسیون بلامانع است. آرای صادره از مراجع قضاوتی فدراسیون قطعی است.

#### گفتار دوم: روش اعتراض از حکم

مطابق مقررات آیین نامه انضباطی، احکام کمیته های انضباطی قطعی است مگر در مواردی که به قابل تجدیدنظر بودن آن تصریح شده باشد.<sup>۱</sup>

ماده ۱۵ آیین نامه انضباطی پس از بیان اصل قطعی بودن آراء، موارد ذیل را از استثنائات این اصل برشمرده است:

- ۱- محرومیت از تمامی موارد زیر شامل: ورود به ورزشگاه، انجام مسابقه، حضور در اتاق رختکن و جایگاه، نیمکت ذخیره ها و شرکت در هر گونه فعالیت مرتبط با فوتبال بیش از سه جلسه با دو ماه بر حسب مورد»،
- ۲- «انجام بازی بدون حضور تماشاگر، انجام بازی در زمین بی طرف یا ورزشگاه خاص بیش از دو جلسه،
- ۳- «ابطال نتیجه بازی و تغییر نتیجه آن، ۴- اخراج از مسابقات، ۵- پس گرفتن جوایز و مقام»، ۶- کسر امتیازات، ۷- تنزل به دسته پایین تره، ۸- جرایم نقدی بیش از سی میلیون ریال»، ۹- «آرای مرتبط با موضوع اختلافات مالی و قرارداد مالی داخلی بیش از پنجاه میلیون ریال»، ۱۰- جلوگیری از حق نقل و انتقال، از سوی بازیکن و باشگاه.

<sup>۱</sup> به موجب ماده ۳۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی آرای دادگاه های عمومی و انقلاب در امور حقوقی قطعی است، مگر در مواردی که طبق قانون درخواست تجدید نظر باشد.



تجدیدنظرخواهی از آرای کمیته انضباطی فدراسیون، در کمیته استیناف به عمل می آید و مرجع تجدیدنظرخواهی از آرای کمیته انضباطی استان، کمیته انضباطی فدراسیون است و تجدید نظر خواهی از آرای کمیته انضباطی شهرستان در کمیته انضباطی استان به عمل خواهد آمد. مهلت تجدید نظر خواهی هفت روز پس از ابلاغ است. در صورتیکه روز آخر با تعطیل رسمی مصادف شود، آن روز جزء مدت به حساب نخواهد آمد و همچنین روز اقدام و ابلاغ جزء مواعد محسوب نمی گردد. (ماده ۱۵ آیین نامه انضباطی)

نکته ی دیگری که در خصوص تجدیدنظر از آرای صادره از مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال قابل بحث می باشد، چگونگی نظارت و تجدیدنظرخواهی از این آراء، در مراجع قضاوتی فیفا یا دادگاه داوری برای ورزش است. بند ۲ ماده ۶۴ اساسنامه فدراسیون، در همین خصوص مقرر داشته است که در صورت عدم قبول رأی صادره در فدراسیون فوتبال هریک از طرفین می تواند جهت قضاوت نهایی به فیفا مراجعه نماید.

حال با توجه به اینکه آیین نامه انضباطی تنها دستهای خاص از آراء قابل تجدید نظر و سایر آراء قطعی اعلام شده اند. این سؤال مطرح می گردد که چه آرای قابل طرح در مراجع قضاوتی فیفا است؟

آیین نامه انضباطی فدراسیون فوتبال در خصوص سؤال مطرح شده، ساکت است و مقرره ی خاصی در آن ملاحظه نمی گردد. لذا با توجه به اطلاق بند ۲ ماده ۶۴ اساسنامه فدراسیون، باید به این نکته قائل شد، که مقصود آیین نامه انضباطی از اعلام اصل قطعی بودن آراء، صرفا عدم امکان تجدیدنظرخواهی از آنها در مراجع قضاوتی داخلی فدراسیون، از جمله کمیته ی استیناف است. به عبارت دیگر به غیر از استثنائات پیش

گفته، هیچ رأیی قابل تجدیدنظرخواهی در مراجع قضاوتی زیر مجموعه فدراسیون فوتبال نیست، لیکن کلیه ی آرای قطعی و یا قطعیت یافته از مراجع قضاوتی فدراسیون، قابل تجدید نظر در مراجع قضاوتی فیفا است و از طرف دیگر، کلیه ی آرای قطعی با قطعیت یافته صادره از مراجع اخیر الذکر نیز، قابل تجدیدنظر در دادگاه داوری برای ورزش است.

طریق دیگر شکایت از آراء که یک روش فوق العاده اعتراض به رأی است، اعاده ی دادرسی از آنها است. آیین نامه ی انضباطی در تبصره ۲ ماده ۲۹، آرای قطعیت یافته را در موارد ذیل، قابل اعاده دادرسی دانسته است:

۱- هرگاه مرجع صادر کننده حکم قطعی، به اشتباه خود در صدور رأی و یا عدم تناسب حکم صادره با تخلف مربوطه پی ببرد.

۲- هرگاه پس از صدور حکم، اسناد و مدارکی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود که اسناد و مدارک یاد شده در جریان دادرسی، مکتوم و یا مجعول بوده و یا در اختیار متقاضی نبوده است.

نکته ی قابل توجه در این خصوص این است که ماده مورد بحث، احکام قطعیت یافته را قابل اعاده دادرسی دانسته و نسبت به احکام قطعی صادره مطلبی را درج ننموده است. البته به نظر می رسد که این مسأله ناشی از اقتباس غیر دقیق این ماده از عبارت ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی است و احکام قطعی نیز در صورت حصول شرایط قابل اعاده دادرسی هستند. به موجب این ماده، همچنین درخواست اعاده دادرسی به رئیس کمیته انضباطی تقدیم می گردد و او پس از احراز شرایط لازم، قرار قبول درخواست اعاده دادرسی را صادر می نماید.

مهلت تقاضای اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران یک هفته و برای اشخاص مقیم خارج از کشور، یک ماه است. هرگاه جهت اعاده دادرسی، مکتوم یا مجعول بودن اسناد باشد، شروع مهلت ارائه درخواست اعاده دادرسی، از تاریخ اثبات آن می باشد که این تاریخ باید، در کمیته انضباطی احراز شود. همچنین هزینه ی اعاده دادرسی، همانند هزینه تجدیدنظر خواهی از رأی است. (تبصره ۲ ماده ۲۹ آیین نامه انضباطی).

## نتیجه گیری

با توجه و مذاقه در موضوعات مختلف این تحقیق و پس از بررسی جایگاه فدراسیون فوتبال در نظام حقوقی ایران و با ملاحظه ی مقررات مختلف حاکم بر دادرسی در ورزش فوتبال مشخص شد که فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران یک مؤسسه ی عمومی غیردولتی است و مانند سایر اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی، تحت حاکمیت قوانین موضوعه کشور است. همچنین ایجاد و تشکیل مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال، در هیچ قانونی بطور مستقیم مورد اشاره قرار نگرفته است و این مراجع بر آمده از اساسنامه فدراسیون فوتبال و مقررات بین المللی این رشته ی ورزشی هستند. لیکن با عنایت به اینکه این فدراسیون عضو فیفا است و برای فعالیت در عرصه بین المللی فوتبال باید از قوانین و مقررات فیفا تبعیت نماید و با توجه به اینکه طبق مقررات قیفا، حل اختلاف در امور مربوطه به فوتبال باید از طریق مراجع داخلی فدراسیون های عضو و مراجع قضاوتی فیفا و دادگاه داوری برای ورزش به عمل آید و همچنین با توجه به تبصره ماده ۱۵ قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی، این نتیجه بدست می آید که مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال صلاحیت رسیدگی به اختلافات ایجاد

شده در این ورزش را دارند. با این حال این صلاحیت مانع از آن نشده است که محاکم دادگستری در آن دسته از دعاوی فوق که به آن ارجاع می گردد از رسیدگی امتناع نموده و قرار عدم صلاحیت صادر نمایند. با وجود این در وضعیت کنونی قضات محاکم با اندکی جسارت می توانند با توسل به تبصره ۱۵ قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی، مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال را قانوناً صالح به رسیدگی به دعاوی مذکور دانسته و در صورت ارجاع این دعاوی به آنها از رسیدگی امتناع نمایند.

همچنین گفته شد که آرای صادره از مراجع قضاوتی فدراسیون، قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است و اگر معترض به آن از باشگاههای دولتی باشد می تواند جهت اعتراض به دادگاههای عمومی مراجعه نماید.

مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال، اعم از کمیته های انضباطی و کمیته ی استیناف را با اندکی تسامح می توان یک مرجع اداری دانست لیکن این مراجع با توجه به توضیحات گفته شده، با سایر مراجع اداری موجود در نظام حقوقی ایران به لحاظ داشتن جنبه های ملی - بین المللی متفاوتند. این مراجع در رسیدگی های خود ابتدا به مقررات آیین نامه انضباطی و در صورت سکوت یا ابهام یا اجمال، به مقررات فیفا و ای اف سی عمل می کنند و در صورتی که قوانین فیفا و ای اف سی نیز با سکوت یا اجمال یا ابهام توأم باشد، قوانین موضوعه کشور را اساس حکم و تصمیم خود قرار می دهند.

همچنین ملاحظه شد که آیین نامه های صادره از فدراسیون نظیر آیین نامه انضباطی، باید منطبق با قوانین موضوعه کشور باشند. آیین نامه انضباطی در موارد مختلف خصوصاً در زمینه ی فراهم نمودن بستر دادرسی منصفانه در مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال، ناقص و مبهم است.

در خاتمه هم لازم به نظر می آید که قوه مقننه و سایر مراجع شبه تقنینی با ورود به این حوزه و رفع ابهامات در این حوزه راجع به رسمیت شناختن مراجع قضاوتی فدراسیون فوتبال و الزامات بین المللی منصفانه در این خصوص راه حل درست و منطقی ارائه دهد.

## منابع و مراجع

- [۱] آگاه، وحید، ۱۳۸۹، حقوق بنیادین و اصول حقوق عمومی در رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (۱۳۸۸) (۱۳۹۱)، تهران، جنگل.
- [۲] ابراهیمی، سید فلاح، ۱۳۹۳، اصول دادرسی عادلانه در رسیدگی به تخلفات اداری، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- [۳] رستمی، ولی؛ و دیگران، ۱۳۸۸، دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری؛ چاپ اول، تهران: انتشارات گرایش.
- [۴] رضایی زاده، محمد جواد، ۱۳۸۵، حقوق اداری (۱)، تهران، میزان.
- [۵] شمس، عبد الله، ۱۳۸۸، آیین دادرسی مدنی، تهران، دراک، چاپ پانزدهم، جلد ۳.
- [۶] صدر الحفاظی، نصر الله، ۱۳۷۲، نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری، تهران، شهریار.
- [۷] طباطبایی مومنی، منوچهر، ۱۳۸۷، حقوق اداری، تهران، سمت، چاپ پانزدهم.
- [۸] عباسی، بیژن، ۱۳۸۹، حقوق اداری، تهران، دادگستر.
- [۹] فضائلی؛ مصطفی، ۱۳۸۷، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین المللی؛ جلد ۱، تهران: نشر موسسه حقوقی نشر دانش تهران.
- [۱۰] قنادی مراغه، رضا، ۱۳۷۱، مجموعه ای از مقررات بین المللی، تبریز، کتاب سرای مولی.
- [۱۱] هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق، ۱۳۸۹، دادگاههای اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین های دادرسی منصفانه (حقوق ایران و مطالعه تطبیقی)، تهران، خرسندی.
- [۱۲] وکیل، امیر ساعد، (۱۳۹۴)، حقوق بین الملل ورزش و فوتبال، چاپ اول، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد

## مقالات

- [۱۳] ۱۳- بیگ زاده، ابراهیم، ۱۳۷۹، سازمانهای غیر دولتی و حقوق بین الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۲، دی ماه.
- [۱۴] ۱۴- مقامی، امیر، تأثیر سازمان های غیر دولتی بین المللی بر حقوق داخلی با تأکید بر عملکرد فیفا»، مجله پژوهش های حقوقی، سال هشتم، شماره ۱۵.

## پایان نامه ها

- [۱۵] ۱۵- آقامینی، هادی، ۱۳۹۰، نظام حقوقی حاکم بر حل اختلافات فوتبال، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم سیاسی،
  - [۱۶] ۱۶- عباسی، رضا، ۱۳۸۹، ماهیت حقوقی قرارداد نقل و انتقال بازیکنان حرفه ای فوتبال در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
  - [۱۷] ۱۷- عباسی مزرعه شاهی، الهه، ۱۳۸۹، بررسی حدود صلاحیت سازمان بازرسی کل کشور نسبت به دستگاههای نظارت شونده، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- [18] Chamovitz, Steve, "Non governmental Organization and international law", The American Journal of International law, 2006, No.100. 28- Snal , Philippe Principles of International law.oxford University Press, 2001.

## سایت های اینترنتی

- [19] <http://www.gol.com>
- [20] <http://www.tas-Cas.org>
- [21] <http://ffiri.ir/fa/news/175/>
- [22] <http://ffiri.ir/fa/news/209/>